

سندسازی‌ها و انتحالات خصیبه در «الهدایة الکبری»

عمیدرضا اکبری / دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم / ar.akbari913@gmail.com
محمدکاظم رحمان ستایش / دانشیار دانشگاه قم / mk.setayesh@qom.ac.ir
تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸
(DOI): 10.22034/shistu.2024.553521.2247

چکیده

پژوهش‌های متعددی جایگاه ویژه حسین بن حمدان خصیبه (م ۳۴۶ق یا ۳۵۸ق) را در شکل‌گیری فرقه‌ی غالی «نصیری» نمایانده‌اند. با این حال، کمتر پژوهشی به روش استفاده خصیبه از منابع و مشایخ روایی اشاره کرده است. این موضوع، به‌ویژه به‌خاطر ناشناختگی بیشتر مشایخ صدر اسانیدش اهمیت زیادی دارد. نوشته پیش رو با بررسی تطبیقی میان اسانید *الهدایة الکبری* با دیگر منابع، در پی رسیدن به پاسخ‌هایی برای این پرسش است که خصیبه در کتاب مزبور چگونه از منابع بهره برده است؟ همچنین برای نمونه، به اشتراکات گسترده روایات این کتاب با روایات متهمان به غلو، مانند ابن مهران، اسحاق بصری و به‌ویژه شلمغانی (در *اثبات الوصیة*) دست یافته است. بنا بر قراین بسیار، خصیبه با وجود استفاده از روایات بسیار از کتاب *الاصیاء* شلمغانی یا *دفاتر ابن مهران*، نامی از ایشان نبرده، بلکه عموماً با ارائه واسطه‌ای ساختگی تا مشایخ ایشان، اسنادشان را سرقت کرده و یا مرسلاتشان را با اسنادی ساختگی کامل نموده و در مواردی در متونشان نیز دست برده است. خصیبه با وجود تأخر و اتکا به چند منبع وجاده‌ای، مدعی سماع گسترده از اصحاب امامین عسکرین (علیها السلام) بوده و این در تثبیت جایگاهش به عنوان رهبر «نصیری» مؤثر بوده است.

کلیدواژه‌ها: الهدایة الکبری، حسین بن حمدان خصیبه، إثبات الوصیة، سندسازی.

مقدمه

پژوهشگران بسیاری حسین بن حمدان بن خصیب خَصیبی (م ۳۴۶ یا ۳۵۸ق) را پایه‌گذار اصلی فرقه غالی «نصیری» شمرده و از برخی آراء غالیانه او بحث کرده‌اند. (برای نمونه، ر. ک. رحمتی، ۱۳۸۵؛ Friedman, 2010, p17-43) اما کمتر کسی به بررسی تفصیلی میزان وثاقت او در نقل روایات پرداخته است. البته برخی پژوهشگران به تشویش‌های سندی و محتوایی *المداویه الکبری* او - بدون تعیین مسئول آن - اشاره کرده‌اند. (عثمان، ۱۴۳۲، ص ۱۹۸-۲۰۳، ۲۰۸، ۲۱۰؛ حداد، ۱۴۲۹، ص ۱۵۷-۱۶۰، ۱۹۰-۲۰۱؛ رفعت و شریف، ۱۳۹۷)

نعمت‌الله صفری ناشناختگی بیشتر مشایخ در اسانید خصیبی و کمی نقل او از ثقات امامیه را نشان داده (صفری، ۱۳۸۴، ص ۳۴)^۱، اما این ناپیوستگی اسانید را نشان از راستگویی خصیبی دانسته (همان، ص ۲۷) و از احتمال جعل روایت توسط همین رجال ناشناخته برای بیشترکردن محبت توده‌های شیعه به ائمه اطهار (علیهم‌السلام) گفته است. (همان، ص ۳۴؛ نیز نک. همان، ص ۲۵)

اما امروزه با دسترسی گسترده به آثار نصیریان مشخص شده این نقل از رجال ناشناخته بیشتر به خاطر بی‌ رغبتی نصیریان به راویان امامیه و دشمنی ایشان و اسلافِ خطابی‌شان با فقهای امامیه (نک. اکبری، ۱۴۰۲، بخش ۳-۷-۲)، و نیز بی‌توجهی به اعتبار اسانید (همان، بخش ۳-۷-۵) است. دیگر اینکه احتمال ساختگی بودن این نام‌ها نیز درخور بررسی است، به‌ویژه که ابن غضائری و نجاشی خصیبی را به فساد مذهب متهم کرده‌اند (ابن غضائری، ۱۳۶۰، ص ۵۴؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۶۷)، و ابن غضائری افزوده است که او کذاب و صاحب عقیده و مذهبی ملعون بود و بدو التفاتی نمی‌شود.

۱. البته نجفی یزدی در مقاله «اعجاز ائمه (علیهم‌السلام) و روایات مربوط به آن» به نقد مقاله صفری و دفاع از خصیبی و روایات او پرداخته است. ولی با دسترسی‌های جدید مجالی برای چنین دفاع‌هایی باقی نمی‌ماند.

پژوهشی مهجوریت خصیبه نزد متقدمان فریقین را نمایانده و مستندات متأخرانی همانند وحید بهبهانی (م ۱۲۰۶ق) و محسن امین (م ۱۳۷۱ق) در توثیق خصیبه را به تفصیل نقد کرده است. (اکبری، ۱۴۰۲، بخش ۱-۴-۲) انگاره پیراستگی *الهدایة الکبری* از غلو نیز شواهد نقض بسیاری دارد. (عادل‌زاده و اکبری، ۱۴۰۱)

حال پرسش مقاله حاضر این است که آیا اتهام خصیبه به دروغ‌پردازی درست است و خود او اسناد و متون را جعل و تحریف می‌کرده، یا احتمال دارد آسیب‌های اسانید و اخبار او بیشتر به منابعش بازگردد؟ بدین منظور با پیش‌فرض اصالت نسخه کامل *الهدایة الکبری* (اکبری، ۱۴۰۲، بخش ۲-۳)، ابتدا با منبع‌یابی بخشی از روایات این کتاب، به نسبت‌سنجی آنها با منابع می‌پردازیم و سپس با مطالعه همه اسانید کتاب، حدود مشایخ مجهول، متهم یا موثق خصیبه و طبقاتشان را تبیین می‌کنیم. در آخر، با الگویابی اسانید روش اسناددهی خصیبه و عیارسنجی آن را شناسایی می‌کنیم.

این پژوهش جامع پیشنهادی ندارد.

۱. طرق عالی «الهدایة الکبری» به جای اسناد مرسل منابع

در نمونه‌هایی از اسانید عالی^۱ خصیبه، به طرز غریب، در طبقه مشایخش، گاه تا ده‌ها نام ناشناخته را آورده است. او در حالی همه اخبارش را مسند معرفی می‌کند که قرائنی مانند تطبیق با منابع *الهدایة* حاکی از استفاده او از اسناد مرسل منابع دیگر است. حال جا دارد چرایی این نوع از اسناددهی خصیبه بررسی شود. حجم زیادی از این اسناد خصیبه در باب چهاردهم این کتاب است. در مقدمه، ابتدا به منبع‌شناسی برخی از این اخبار می‌پردازیم.

۱. «عالی» حدیثی است که طبقات واسطه کمتری داشته باشد یا زمان سماع راویانش متقدم‌تر باشد.

۱-۱. اشتراک گسترده روایات در «الهدایة الكبرى» و «إثبات الوصیة» و ریشه آن

با جست‌وجویی ساده در منابع، درمی‌یابیم روایات ابتدای باب چهاردهم *الهدایة* با باب «صاحب الزمان (عج)» در کتاب *إثبات الوصیة* متناظر است. این باب از *إثبات الوصیة* ۳۱ روایت دارد که ۲۹ روایت آن با لفظ و ترتیب مشابه در ابتدای باب چهاردهم *الهدایة* آمده است. (قس. خصیبی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۵۴-۳۶۷؛ *إثبات الوصیة*، ۱۴۲۶ق، ص ۲۵۷-۲۷۳) دو روایت از این باب *إثبات الوصیة* - که مضمون آنها با نگرش‌های خصیبی تناسب کمتری داشته - در *الهدایة* نیامده است. (*إثبات الوصیة*، ۱۴۲۶ق، ص ۲۶۲) همچنین در *الهدایة*، تنها یک روایت از میان روایات *إثبات الوصیة* اخذ شده است. بنا بر پژوهش‌ها، *إثبات الوصیة* در اصل، تحریری از کتاب *الاصیاء شلمغانی*، (م ۳۲۳ق) است. (برای نمونه، ر. ک. انصاری، ۱۳۹۰؛ علوی، ۱۴۴۱؛ شبیری، ۱۴۴۴)

باید پرسید ریشه یکسانی روایات دو کتاب چیست؟ احتمال استفاده هردو از منبعی مشترک منتفی است؛ زیرا اسناد روایات مشترک بسیار متنوع است و رجال یا منبع ثابتی برای حلقه وصل اسناد نمی‌یابیم تا آن را منبع دو کتاب و دلیل یکسانی روایاتشان بدانیم. پس با توجه به تقدم طبقه شلمغانی بر خصیبی، نخستین وجه برای این اشتراک گسترده، استفاده خصیبی از کتاب *الاصیاء* است. با این حال، در این باب *الهدایة* هیچ‌یادی از شلمغانی نکرده و خصیبی تنها در باب محمد بن نصیر ادعا کرده روایتی را مستقیماً از شلمغانی در تأیید بابت محمد بن نصیر شنیده است. (قس. خصیبی، ۲۰۰۷، ص ۳۸۸)

در باب ۱۴ *الهدایة* ابتدای برخی از اسناد نیز تفاوت‌هایی دارد؛ بدین صورت که معمولاً واسطه‌ای متفاوت و متغیر تا شیخ شلمغانی ذکر شده و یا مستقیماً شلمغانی از آن نقل کرده است. همچنین روایات مرسل *إثبات الوصیة* در *الهدایة* به صورت مسند آمده است. مروری بر این تفاوت‌ها نکات مهمی را به دست می‌دهد.

در کل *الهدایة*، اسناد همواره متصل تصویر شده، حتی در جاهایی که منابع مورد استفاده خصیبه مرسل روایت گردیده است. خواهد آمد که *الهدایة*، از انقطاع اسناد منابع با نام‌هایی ناشناس پر شده است. اما برخلاف روال عمومی مؤلف، اسناد بخش کوچکی از اخبار کتاب در دو باب حضرت زهرا (علیها السلام) و امام باقر (علیه السلام) به صورت ناقص رها شده که تنها حاوی یکی، دو طبقه رجال پس از امام است و در آن خبری از رجال متغیر و ناشناخته اوایل اسناد کتاب نیست. این می‌توانند نماینده شکلی اصیل‌تر از اسناد باشد.

جالب آنکه از ۱۷ خبر باب امام باقر (علیه السلام) در *الهدایة*، ۱۶ خبر آن با ترتیب یکسان، برگرفته از باب *متناظر اثبات الوصیة* است (قس. خصیبه، ۱۴۱۹ق، ص ۲۳۹-۲۴۰ با *اثبات الوصیة*، ۱۴۲۶ق، ص ۱۸۰-۱۸۱، در چهار خبر؛ نیز قس. خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۲۴۰-۲۴۴ با *اثبات الوصیة*، ۱۴۲۶ق، ص ۱۷۶-۱۸۰، دوازده خبر)، و اسناد ناقص *الهدایة* نیز با اسناد ناقص *اثبات الوصیة* تطابق دارد.

پس تا اینجا بهترین تبیین این است که *الهدایة الکبری* برخی اسناد ناقص منابعش را کامل کرده است. حال باید دید چه شواهدی در رد یا تأیید این نظر وجود دارد؟

۱-۲. ادعای سماع اخبار شفاهی از ده‌ها صحابی امامین عسکریین (علیهم السلام)

نخستین روایت باب «صاحب الزمان (عج)» در *اثبات الوصیة* کاملاً مرسل است. اما خصیبه همین روایت را نه تنها به صورت مسند آورده، بلکه ادعا کرده آن را بی‌واسطه از ۶۰ شیخ، هم یکجا و هم در مجالس پراکنده شنیده است؛ ۶۰ شیخ از بلاد گوناگون که برخی از آنها عالمان امامی قم و حتی صحابه امام رضا و جواد (علیهم السلام)، و بقیه از مشایخ اختصاصی خصیبه‌اند. به تصریح خصیبه همه این ۶۰ تن این روایت را مستقیم از امام هادی (علیه السلام)

(م ۲۵۴ق) و امام عسکری (علیه‌السلام) (م ۲۶۰ق) شنیده‌اند. (خصیبه، ۱۴۱۹ق، ص ۳۵۳-۳۵۴؛ طبرانی، ۲۰۱۶، ص ۷۴، مشیخه خصیبه^۱)

این روش اسناددهی در همه فرق اسلامی غریب است. وقتی عالمان سختگیر فرق مختلف چنین اسنادی ندارند، چگونه یک غالی سهل‌گیر که به تصریح خودش، به سند اعتباری نمی‌دهد (نک. خصیبه، ۲۰۰۶، ص ۱۴۸)، حدیثی را از این تعداد صحابی امام دریافته است؟ این در حالی است که با برخی از آنها قریب یک قرن فاصله دارد. (نک. بخش ۲)

از سوی دیگر منبع خصیبه نیز کتاب الاوصیاء شلمغانی بوده و گرچه در اثبات الوصیه سند این روایت ذکر نشده، ولی اسناد آن در منابع دیگر برجای مانده است. سند این روایت به یونس بن ظبیان از امام صادق (علیه‌السلام) منتهی می‌شده (صفر، ۱۴۰۴ق، ص ۴۳۹؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۸۷)، و معلوم است که ربطی به سند گروهی الهدایه ندارد.

۱. بنا بر قرآینی مشیخه برگرفته از سند الهدایه است: اول. تعبیر «حدثنی» در ابتدای این مشیخه در البحت والدلالة؛ دوم. یادکرد اسناد خصیبه از رجال مهم او به عنوان صحابیان امامین عسکرین (علیها السلام) (برای نمونه، ر. ک. جبری، ۲۰۱۴، ص ۶۰؛ مجمع الأخبار، ۲۰۰۸، ص ۱۶۰) که در دو روایت مشابه الهدایه و البحت والدلالة نیامده‌اند. اگر مشیخه مستقل از اسناد می‌بود، انتظار می‌رفت جامع رجال مهم در سند دیگر نیز باشد. سوم. تطابق نام این ۶۰ تن در الهدایه و البحت والدلالة نسخه‌های چاپی الهدایه و نیز کامل‌ترین نسخ خطی (خصیبه، ۱۳۱۵ق، برگ ۸۵ - ب؛ بی‌تا، برگ ۱۳۷ - الف؛ همو، ۱۴۱۹ق، ص ۳۵۳؛ همو، ۲۰۰۷، م ۲۶۳-۲۶۴؛ همو، ۱۴۲۷ق، ص ۴۱۵-۴۱۶؛ همو، ۲۰۱۹ق، ص ۶۰۶). کاستی نام‌ها در نسخ مختصر الهدایه (خصیبه، ۱۱۰۱ق، برگ ۲۰۱؛ ب؛ ۱۲۸۰ق، برگ ۸۶؛ ۱۳۱۸ق، ص ۲۹۴-۲۹۵) بنا بر شواهد زیادی، نتیجه افتادگی است؛ چنان‌که کل بخش ابواب امامان (علیهم السلام)، و متن اخبار چند باب، از جمله افتادگی ۱۷ خبر از همین باب ۱۴ افتاده است (اکبری، ۱۴۰۲، بخش ۲-۳-۳؛ نیز نک. خصیبه، ۱۴۱۹ق، ص ۳۶۶-۳۷۱. قس. همو، ۱۱۰۱ق، برگ ۲۰۵؛ ب؛ ۱۳۱۸ق، ص ۳۰۴؛ همو، ۱۲۸۰ق، ص ۸۸؛ همو، ۱۳۱۸ق، ص ۳۰۳؛ ۱۳۱۹ق، برگ ۱۵۸ - ب) است. این در حالی است که به تناسب منبع اخبار، یعنی اثبات الوصیه، نسخه کامل اصیل است.

همچنین در روایت دوم باب ۱۴/الهدایة، خصیبه با تعبیر «حَدَّثَنِي مَنْ زَادَ فِي أَسْمَاءِ مَنْ حَدَّثَنِي مِنْ هَؤُلَاءِ الرَّجَالِ الَّذِينَ أُسْمِيَهُمْ وَ هَم...» (خصیبه، بی‌تا، برگ ۱۰۸؛ همو، ۱۴۱۹ق، ص ۳۵۵؛ همو، ۲۰۰۷م، ۲۶۲؛ همو، ۱۴۲۷ق، ص ۴۱۳) یا «حَدَّثَنِي مَنْ أَثَقَ بِهِ...» (خصیبه، ۱۲۸۰ق، برگ ۸۷-الف؛ همو، ۱۳۱۸ق، ص ۲۹۶) نام سه شیخ دیگر را بر ۶۰ راوی پیشین افزوده است. در اینجا نیز مانند روایت قبل و مجموعه‌ای از دیگر اخبار مشترک با *إثبات الوصیة* (برای نمونه، خصیبه، ۱۴۱۹ق، ص ۳۵۸، ۳۵۹-۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۷ و به ترتیب قس: *إثبات الوصیة*، ۱۴۲۶ق، ص ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۷۲)،^۱ ارسال سند *إثبات الوصیة* را از بین برده است؛ زیرا در *إثبات الوصیة* با یادکرد سه تن از مشایخ، گفته است: آنها با اسانید خود، ماجرای میلاد امام عصر (عج) را از حکیمه نقل کرده‌اند. اما در *الهدایة* سه شیخ مستقیم از حکیمه نقل می‌کنند، و سماع از مشایخ بیشتری را نیز ادعا کرده است. (*إثبات الوصیة*، ۱۴۲۶ق، ص ۲۵۷؛ ابن‌عبدالوهاب، ۱۴۲۲ق، ص ۳۴۶)

در نمونه مشابه دیگر، در همه نسخ *الهدایة*، در انتهای باب سیزدهم، خصیبه عده‌ای از مشایخ خود را نام برده و با واسطه آنها از امام حسن عسکری (علیه السلام) روایتی نقل کرده است. بنابر این روایت، بیش از هفتاد تن خدمت امام رفته و از ایشان حدیث بلندی را سماع کرده‌اند. در انتهای روایت، خصیبه ادعا می‌کند که همه این افراد را ملاقات کرده و این حدیث را از آنها شنیده و همین حدیث را از گروهی از موالی امامان و پیرزنان خانه امام هادی (علیه السلام) و امام حسن عسکری (علیه السلام) نیز دریافت کرده است. (خصیبه، ۱۴۱۹ق، ص ۳۴۵، ۳۴۹، ۳۵۵؛ همو، ۱۲۸۰ق، ۸۷-الف؛ همو، ۱۳۱۸ق، ص ۲۹۶) در روایاتی هم که طبرانی از خصیبه نقل کرده، نمونه‌هایی از حضور بیش از ۷۰ تن از نصیریه و

۱. در این مثال‌ها *الهدایة* گاهی به جای یک طبقه ارسال، نامی نشانده، یا برای روایات کاملاً مرسل شلمغانی سندی جدید ارائه کرده است، و یا تعبیر ارسال باسناده را به تعبیر «تعلیق بهذا الإسناد» تبدیل کرده است.

اسحاقیه در جلسات امام حسن عسکری (علیه‌السلام) دیده می‌شود. (طبرانی، ۱۹۴۳، ص ۲۰۵؛ نیز نک. ابن مقاتل، بی‌تا، ص ۳۱-۳۲)

خصیبی در دیگر مواضع *الهدایة* نیز در مجموع، ۲۱ تن از مشایخش را واسطه نقل مستقیم از امام حسن عسکری (علیه‌السلام) قرار داده است. (خصیبی، ۱۴۱۹، ص ۳۷، ۳۲۹-۳۴۲، ۳۴۳، ۳۷۲-۳۷۴) برای نمونه، وی مدعی است: حدیثی طولانی از امام حسن عسکری (علیه‌السلام) را در مجالس مجزا مستقیم از ۱۱ تن از صحابه امام شنیده است. (خصیبی، ۱۴۱۹، ص ۲۴۸؛ نیز نک. همو، ۲۰۰۷، ص ۳۹۴) ضبط شفاهی چنین متونی به صورت یکسان توسط راویان ثقه و دقیق نیز ممکن نیست؛ چه رسد به مشایخ ناشناخته خصیبی! هرچند اگر مثال‌های پیشین، فاصله یک قرنی طبقه خصیبی با امام و ناشناختگی عموم این صحابی ادعایی نبود، شاید می‌شد متکلفانه توجیه کرد که خصیبی ضمن استفاده از خبر مرسل منبعش، از روی سهل‌انگاری، متن آن را به ۱۱ صحابی راوی مضامین نزدیک به هم نسبت داده، و البته از قضا از همه آنها نیز خبر را شنیده است.

۳-۱. تحلیل ادعاهای بزرگ خصیبی در روابط حدیثی

گذشت که به‌ویژه در ابواب امامان متأخر (علیهم‌السلام) در *الهدایة*، خصیبی ارتباط گسترده‌ای با اصحاب امامین عسکریین (علیها‌السلام) و نیز ملاقات‌کنندگان با امام عصر (عج) را ادعا کرده است. بسیاری از این روایات گزارش حضور جمعی از مشایخ اختصاصی خصیبی در جلسه امام حسن عسکری (علیه‌السلام) است و به‌ویژه بسیاری از این روایات ناظر به یاران محمد بن نصیر یا دیگر مشایخ اختصاصی خصیبی است (برای نمونه، خصیبی، ۱۴۱۹، ص ۳۲۳، ۳۳۸، با حضور بزرگان اسحاقیه در مجلس امام) که در *الهدایة* و دیگر آثار از ایشان روایاتی غالبانه نقل کرده است. در ادعای خصیبی، برخی از مشایخ غالی خاص او ملازمان امام حسن عسکری (علیه‌السلام) در پادگان نظامی بوده‌اند. (برای نمونه، ر. ک. خصیبی، ۱۴۱۹، ص ۵۴، ۶۷، ۳۳۱-۳۳۲، ۳۳۴، و از رجال غیر اختصاصی، ص ۳۳۵، ۳۶۸)

غیر از موارد پیش‌گفته در نقل *الهدایة*، از ده‌ها صحابی امامین عسکریین (علیها السلام) - که بیشترشان از رجال اختصاصی نصیریان‌اند - در *التوحید جسری*، جمعی دیگر به عنوان مشایخ خصبی و صحابیان امامین عسکریین (علیها السلام) مطرح شده‌اند. (جسری، ۲۰۱۴م، ص ۶۰) در *سرتاسر المجالس النمیریة* و برخی اخبار *الأعیاد* (برای نمونه، طبرانی، ۱۹۴۳، ص ۱۳۸، ۲۰۳-۲۰۵، و از طریق غیر خصبی، ر.ک. همان، ص ۱۴۸، ۱۸۱-۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۳) نیز حکایت ارتباط مستمر و عمیق مشایخ غالی خصبی با محفل امام حسن عسکری (علیه السلام) و البته ابن نصیر است. خصبی مدعی سماع مستقیم از عثمان بن سعید عمری (م پیش از ۲۶۷ق) و نقل عمری از ابن مهران نیز هست. (خزاز، ۱۴۰۱ق، ص ۱۸۶-۱۸۷، ۲۳۶)

در برخی نمونه‌ها، *الهدایة* تعلیقات و ارسال‌های منابعش را با نام‌های ناشناخته کامل کرده است. برای نمونه، خصبی از احمد بن عثمان عمری از برادرش ابوجعفر محمد بن عثمان عمری روایتی را نقل کرده و دو روایت بعدی را به همین سند معلق کرده است. (خصبی، ۱۴۱۹، ص ۳۷۰) نام چنین برادری برای ابوجعفر عمری در منابع نیامده است. نکته مهم اینکه در دیگر منابع این سه خبر از سعد اشعری است که تنها خبر نخست آن به نقل از ابوجعفر عمری آمده است. (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ص ۱۴۰؛ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۹۴، ۴۸۶)

این حجم از ارتباط با شاگردان امام حسن عسکری (علیه السلام) و اصل روابط گسترده اصحاب امامین عسکریین (علیها السلام) و تداول جلسات ایشان و به ویژه تداول جلسات غالیان با امام، با واقعیت تاریخ امامین عسکریین (علیها السلام) در شدت محدودیت ارتباطشان با شیعه ناسازگار است (برای نمونه، ر.ک. فرزند وحی و دارابی، ۱۳۹۱)، بلکه ائمه اطهار (علیهم السلام) در شرایط عادی نیز غالیان را از خود طرد می‌کردند، چه رسد به زمان حصر امامان معصوم (علیهم السلام). حتی یار خصبی، حسن بن شعبه حرانی در کل

حقائق *أسرار الدین* تنها دو روایت از امامین عسکریین (علیها السلام) دارد. (ابن شعبه حرانی، ۲۰۱۶م، ص ۲۶، ۴۶) پس خصیبه در میان غالیان، خود را مهم‌ترین واسطه معارف امامین عسکریین (علیها السلام) و البته آموزه‌های ابن‌نصیر (باب ادعایی ایشان) معرفی می‌کرده است. همچنین خصیبه روایات گسترده‌ای نیز در رد بر پیروان جعفر کذاب ارائه داده و در این میان نقش خود را در نقد و مناظره با آنان برجسته کرده است. (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۸۱-۳۹۲) وجود غرایب بسیار در آن اخبار^۱ بر تردیدها در درستی دعاوی خصیبه دامن می‌زند؛ چنان‌که در غیر *الهدایة* اخبار بسیاری از خصیبه در مذمت و تحقیر رجال اسحاقیه و بعضاً مخمسّه در دست است (طبرانی، ۱۹۴۳، ص ۱۳۰، ۲۰۵؛ ابن مقاتل، بی‌تا؛ عصمة الدولة، ۲۰۱۶، ص ۶۲۲-۶۴۳) که دست‌کم می‌توان احتمال صحت برخی از این انتساب‌ها را به او مطرح کرد. او روایات گسترده‌ای را نیز در بابت محمد بن نصیر آورده که چه بسا دیگر مدعیان بابت این حجم از روایات ساختگی را ارائه نداده بودند.

گرایش خصیبه به علو اسناد - که در کلماتش نیز نمود یافته - (جسری، ۲۰۱۴، ص ۶۰) شاهدی دیگر بر گرایش خصیبه به نزدیک نمایاندن روابطش با ائمه (علیهم السلام) است. در احتمالی ضعیف، شاید بخشی از اصرار افراطی خصیبه برای از بین بردن همه قراین ارسال در اسناد، به خاطر گفتمان «ابوت» (نک. اکبری، ۱۴۰۲، انتهای بخش ۳-۳-۱) و لزوم سماع معارف از شیخ در میان غالیان باشد. در دو طبقه پس از خصیبه اهمیت این مسئله در حدی بود که طبرانی نقل اسماعیل بن خلاد از دفاتر بدون سماع، فاصله زیاد

۱. برای نمونه، داستان مناظره خصیبه با ابوالحسین [جعفر بن محمد] بن ثوابه الکاتب (م ۲۸۴ق) (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۸۵؛ برای نسخه تصحیف‌شده، ر.ک. همو، بی‌تا، برگ ۱۵۸؛ همو، ۱۳۱۵ق، برگ ۹۶) که پسر وزیر معتضد بود و معلوم نیست چرا خصیبه او را پیرو جعفر معرفی کرده و چنین داستان‌هایی آورده است؛ یا خصیبه ضمن داستان مناظره‌اش با برخی پیروان جعفر، در داستانی مفصل از ابوالقاسم نصر بن صائغ [صباح] بلخی نقل کرده که زن محمد بن زکریای رازی باب جعفر کذاب بود. (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۸۷-۳۸۸)

زمانی او از مشایخ و احتمال فراموشی نام ایشان را دستمایه طعن قرار داده بود (طبرانی، ۲۰۱۶، ص ۱۷۸، ۱۸۱)، غافل از اینکه - در واقع - پیشوای نصیری، خصیبه (شاید بیش از پیشوای اسحاقیه) درگیر این اشکالات بوده است.

۱-۴. ترکیب و تحریف متون در زمینه بابت؛ شاهی بر سندسازی

تحریفات متون اخبار در *الهدایة* نیز بسیاری اوقات ویژگی‌هایی دارد که مؤید سندسازی‌های خصیبه است، به‌ویژه در تکوین اسناد روایات بابت محمد بن نصیر، به عنوان آخرین باب ائمه اطهار (علیهم‌السلام). *الهدایة* کوشیده است با ارائه طرقي عالی، بابت مشایخ فرقه نصیری را امری مشروع و مستند بنمایاند. «بابت» از مهم‌ترین عقاید محوری فرق غالی است و در مرزبندی‌های این فرق با یکدیگر نقش مهمی داشته است. (اکبری، ۱۴۰۲، بخش ۳-۳) با شروع غیبت امام عصر (عج) افراد متعددی از غالیان دعوی بابت حضرت را داشتند، و نزاع بر سر این جایگاه به اختلافات دامن می‌زد.

نمونه‌ای از تکمیل توأمان اسناد مرسل و متون، آخرین استفاده *الهدایة* از کتاب

الأوصیاء در باب ۱۴ است:

عن محمد بن إسماعیل الحسنی عن أبي الحسن صاحب العسكر احتجب عن كثير من الشيعة إلا عن خواصه فلما أفضي الأمر إلى الحسن (ع) كان يكلم الخواص وغيرهم من وراء الستر... توفى المعتمد... و بويج لجعفر المقتدر بالله بذي القعدة سنة خمسة و تسعين و مائتين و كانت كتبه و دلائله و توقيعاته (ع) تخرج علي يد أبي شعيب محمد بن نصير بن بكر النميري البصري. فلما توفى خرجت علي يد جدته أم أبي محمد (ع) و علي [يد أبي عمرو عثمان بن سعيد و علي يد] ابنه محمد بن عثمان. (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۶۷؛ همو، بی‌تا، ۱۴۵-الف)^۱

۱. در نسخه چاپی تعابیر داخل کروشه افتاده است.

نیمه نخست این خبر در *إثبات الوصیة* به صورت خبری مرسل نقل شده است. (اثبات الوصیة، ۱۴۲۶ق، ص ۲۷۳) اضطراب سند *الهدایة آشکار* است: ابتدا به نظر می‌آید قرار است از امام هادی (علیه‌السلام) نقل نماید، ولی در ادامه وقایع غیبت را از شیخ اختصاصی و ادعایی‌اش حسنی نقل می‌کند. تحریر امامی اصیل از آخر گزارش نیز در روایت مرسل هبة‌الله بن احمد برجنا مانده است: «و كانت توقيعات صاحب الأمر (ع) تخرج علي يدي عثمان بن سعيد و ابنه أبي جعفر محمد بن عثمان إلى شيعة و خواصّ أبيه.» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۵۶) البته روشن است که نام ابن نصیر در آن جایی ندارد.

خصیبی از رقبای محمد بن نصیر در باییت، مانند شلمغانی و شاگردان اسحاق بصری، و نیز از جعفر بن مالک فزاری و علی بن عاصم - که نصیری نیستند - مستقیماً باییت او را روایت می‌کند. (خصیبی، ۲۰۰۷، ص ۳۸۵، ۳۸۹، ۳۹۴) بنا بر قراین متعدد، اسحاق و شلمغانی خود از داعیه‌داران باییت امام زمان (عج) بوده‌اند (برای نمونه، نک. ذاکری، ۱۳۹۸، ص ۲۱۸، ۲۲۶)، بلکه در منابع نصیریّه مخالفت اسحاق و اسحاقیه با محمد بن نصیر و نصیریّه شدید گزارش شده است.^۱ همچنین خصیبی روایتی در مدح ابوالخطاب را به ابن همام، عالم امامی نسبت داده (خصیبی، ۲۰۰۷، ص ۳۷۲) که پذیرش چنین ادعایی دشوار است.

غیر از نقل پیش‌گفته خصیبی از *إثبات الوصیة*، برخی از دیگر روایات او در باییت ابن نصیر نیز در دیگر منابع بدون فراز باییت ابن نصیر آمده است. ابن شعبه به سند دو واسطه‌ای خود از احمد بن یوسف از اسحاق روایاتی در باییت نقل کرده که نمونه‌ای از آن را خصیبی مستقیماً از احمد بن یوسف روایت نموده، ولی سه سطر باییت ابن نصیر را بدان افزوده است. (ابن شعبه، ۲۰۰۶، ص ۵۵؛ همو، ۲۰۱۶، ص ۴۵ و قس. خصیبی، ۲۰۰۷، ص ۳۸۵) خصیبی از محمود بن حسن شاشی، مؤلف ظاهراً اسحاقی نیز کرامتی برای ابن نصیر روایت کرده است. (طبرانی، ۲۰۱۶، ص ۱۰۹-۱۱۰) در آخرین روایت باب ۱۴ و

۱. روایات منسوب به خصیبی در آثاری مانند *المجالس النمیریة* (فارغ از تردیدها در انتساب، ر. ک. اکبری، ۱۴۰۲، بخش ۲-۶-۱) سرتاسر موضع منفی اسحاق در برابر ابن نصیر را تأیید می‌کند.

طولانی‌ترین گزارش *الهدایة*، بحث باییت ابن نصیر را با تعابیری مشابه نمونه قبل در روایتی ترکیبی از مفضل بن عمر گنجانده است. (خصبی، ۱۴۱۹، ص ۳۹۶) بنا بر پژوهشی، خصبی نقش اساسی در شکل‌گیری روایت داشته است، هرچند با بهره‌گیری از اخبار متقدم‌تری که به او یانی مانند مفضل بن عمر و جابر جعفی منسوب‌اند. (نک. عادل‌زاده، ۱۴۰۱)

تکرار برخی قالب‌های مضمونی، در برخی دیگر از اسناد اختصاصی خصبی در باییت ابن نصیر نیز به چشم می‌خورد. در دو گزارش، خصبی در بخش امامان، در موضوع باییت با یک واسطه متغیر نقل می‌کند که جمعی از نصیری و اسحاقیه در جلسه امام حسن عسکری (علیه‌السلام) بودند و سپس (بیشتر با نقل کراماتی از ابن نصیر) او را بالادست می‌نشانند (خصبی، ۱۴۱۹، ص ۳۳۸ و قس. همان، ص ۳۳۳، ۳۲۳)؛ الگویی که به صورت غلیظ‌تر و گسترده‌تر در اخبار منسوب به خصبی در *المجالس النمیریة* وجود دارد. خصبی در چند خبر نیز وکالت وکلای چهارگانه امام عصر (عج) را به وکالت مالی فروکاسته و جایگاه ایشان را نسبت به باییت ابن نصیر پایین‌تر نشانده است. (خصبی، ۲۰۰۷، ص ۳۹۲-۳۹۵؛ نیز نک. خصبی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۷۰)

ترکیب روایات را در موضعی دیگر از باب ۱۴ *الهدایة* نیز می‌توان دید.^۱ گاهی نیز *الهدایة* - متناسب با مبانی خصبی - تحریفات مختصری در متن اخبار *اثبات الوصیة* دارد. برای نمونه، خصبی بنا بر روش خود میلاد امام عصر (عج) را در ۸ شعبان دانسته و در روایاتش نیمه شعبان به ۸ شعبان تغییر کرده است. (خصبی، ۱۴۱۹، ص ۳۵۴ و قس. *اثبات الوصیة*، ۱۴۲۶ق، ص ۲۵۸. برای مشاهده تذکر همین تفاوت، نک. ابن‌عبدالوهاب، ۱۴۲۲ق،

۱. برای نمونه، خصبی دو خبر اول باب *متناظر اثبات الوصیة* را به نحوی سر هم آورده که یک سند به نظر می‌آیند. (خصبی، ۱۴۱۹، ص ۳۵۴) ترکیب روایاتی از سعد اشعری نیز گذشت. برای نمونه‌های دیگر، ر. ک. خصبی، ۱۴۱۹، ص ۳۶۲-۳۶۳ که سندی متفاوت و زیاده‌ای به نسبت روایت متناظرش در *اثبات الوصیة* (ص ۶۲۶) دارد.

ص ۳۴۹) همچنین پژوهش علی عادلزاده نمونه‌های بسیاری از تحریفات مضمونی و محتوایی *الهدایة* و الگوهای مشترک آنها را نشان می‌دهد، که چون فقط خصیبه حلقه مشترک این اخبار است، خود او در تحریفات متهم می‌شود. (عادلزاده، ۱۴۰۰)

۲. اضطراب طبقاتی «الهدایة الکبری» در تکمیل اسناد معلّق و منقطع

پیش‌تر نمونه اشکالات اسنادی عالی خصیبه گذشت که در آن معمولاً یک طبقه واسطه را به عنوان سند تا امامین عسکریین (علیها السلام) آورده بود. در دیگر روایات مشترک باب پیش‌گفته *الهدایة* و *إثبات الوصیة* نیز خصیبه بدون یادکرد از شلمغانی، یا مستقیماً از شیخ شلمغانی نقل کرده (برای نمونه، ر. ک. خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱ و به ترتیب، قس. *إثبات الوصیة*، ۱۴۲۶ق، ص ۲۶۱، ۲۶۴، ۲۶۵ به نقل از: جعفر فزاری، سعد اشعری و حسن بن عیسی) و یا واسطه‌ای از مشایخ متهم به غلو (برای نمونه، قس. خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۶۱، ۳۶۲؛ *إثبات الوصیة*، ۱۴۲۶ق، ص ۲۶۵) یا ناشناخته خود (برای نمونه، قس: خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۶۳؛ *إثبات الوصیة*، ۱۴۲۶ق، ص ۲۶۶، روایت عبّاد) را قبل از نام شیخ، در ابتدای سند شلمغانی می‌نشانند. اما اشکالات گسترده در تکمیل این اسناد نشان می‌دهد اسناد با اجازات یا سماع از شاگردان شیخ در ابتدای اسناد *إثبات الوصیة* تکمیل نشده است.

۲-۱. بی‌توجهی به تعلیق در اسناد مصدر، در مقام سرقت از آن^۱

برای نمونه، خصیبه در نقل بدون سماع خود از کتاب *الاصیاء* شلمغانی مجموعه‌ای از تعلیقات اسناد شلمغانی را دریافته است، و بنابراین، گاهی سند خصیبه (با وجود تأخر خودش) دو واسطه کمتر از سند شلمغانی دارد؛ مانند روایتی که سند شلمغانی از احمد بن محمد بن عیسی اشعری - در واقع - تعلیق به سعد اشعری است، ولی خصیبه مستقیماً از

۱. منظور از «تعلیق» حدیث، حذف کل یا بخشی از سند آن به اتکای یادکرده‌های پیشین است (برای نمونه، نک. جدیع، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۸۵۰). «انتحال» یا سرقت حدیث این است که راوی حدیث دیگران را که نشنیده، بگیرد و صریحاً ادعای سماع حدیث از مشایخ ایشان بکند. (همان، ج ۱، ص ۳۹۲؛ صبیحی، ۱۴۳۱، ج ۳، ص ۲۳۵)

احمد بن محمد بن عیسی شروع می‌کند. (قس. خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۵۹؛ *إثبات الوصیة*، ۱۴۲۶ق، ص ۲۶۳) حتی در روایتی نام احمد اشعری در سندی مشابه از *إثبات الوصیة* به محمد بن احمد بن عیسی تصحیف یافته، که به همین صورت مصحّف به *الهدایة* نیز انتقال یافته و البته این بار *الهدایة* واسطه‌ای را قبل از نامش نشانده است. (قس. خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۶۰؛ *إثبات الوصیة*، ۱۴۲۶ق، ص ۲۶۴. واسطه در *الهدایة* محمد بن علی ذکر شده که ممکن است شلمغانی یا غیر او باشد).

مجموعه‌ای از روایات میانی این ۲۹ خبر مشترک دو کتاب در *إثبات الوصیة* (کتاب *الاروصیاء*) به نقل از حمیری و سعد اشعری است و گاهی با تعلیق پیاپی اسناد از آن دو آمده است. با جست‌وجوی همین روایات معلق در دیگر منابع، آنها را به طرّقی غیر از شلمغانی از حمیری و سعد با همان اسناد مذکور در *إثبات الوصیة* می‌یابیم. (برای نمونه، نک. *إثبات الوصیة*، ص ۲۶۴، سند معلق سعد از احمد اشعری و قس. ابن بابویه، ۱۴۰۴، ص ۱۲۵؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۳) این نشان می‌دهد که در این موارد، اسناد شلمغانی اصیل و معلق به حمیری و سعد اشعری است. محمدتقی ذاکری نیز در پژوهش خود، دو کتاب از سعد اشعری و دلائل حمیری را از منابع کتاب *الاروصیاء* شلمغانی برشمرده است. (ذاکری و غفوری‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۰۴-۱۱۵)

خصیبه که متوجه این تعلیقات نشده، گاهی سند را به همان صورت رها کرده و گاهی شیخ ناشناس یا متهمی را واسطه روایت از شیخ مشهور حمیری و سعد اشعری قرار داده است؛ مثلاً، نام حسن بن جمهور را به جای راوی از ابن‌مهزیار و هارون بن مسلم نشانده (قس. خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۶۰، ۳۶۲؛ *إثبات الوصیة*، ۱۴۲۶ق، ص ۲۶۳، ۲۶۵؛ نقل خبر هارون با واسطه سعد اشعری و حمیری در: صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۰۲؛ طبری، ۱۴۱۳ق، ص ۴۳۸، ۴۳۳) و گاهی ابن‌جمهور را به عنوان راوی حمیری یاد کرده، در حالی که سند حمیری در *إثبات الوصیة* معلق نیست. (قس. خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۶۴؛ *إثبات الوصیة*، ۱۴۲۶ق، ص ۲۶۷) در منابع دیگر، نام ابن‌جمهور راوی حمیری، ابن‌مهزیار و هارون بن مسلم نیست. این نیز شاهد روشن دیگری بر تحریف و سندسازی *الهدایة* است.

۲-۲. اضطراب در طبقه مشایخ

در ابواب پیشین *لهدایه* نیز اضطراب شدیدی در طبقه مشایخ خصیبه دیده می‌شود. برای نمونه، طبقه مشایخی همچون علی بن طیب صابونی، محمد بن میمون خراسانی، محمد بن موسی قمی، محمد بن عبدالرحمن، و سعدان بن مسلم بسیار مضطرب است. خصیبه گاه از ایشان بی‌واسطه، گاه با یک واسطه و گاه از برخی مانند سعدان بن مسلم و محمد بن جبلة تمار با دو واسطه نقل نموده است. (برای نمونه نقل از محمد بن جبلة تمار قس. خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۶۳، ۱۵۴، ۱۹۶، ۳۷۷؛ برای نمونه نقل از هارون بن مسلم، قس. ص ۳۵۳، ۳۶۲)

گاهی نیز نام مشایخ با نام فرزندانشان جایگزین شده یا فرزندان به عنوان واسطه نقل از پدران یاد شده‌اند. اسناد *لهدایه* گاهی با نام حسین بن محمد بن یحیی فارسی، حسن بن محمد بن یحیی خرقی، جعفر بن محمد بن اسماعیل حسنی، و محمد بن علی بن عبیدالله حسنی شروع شده (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۱۶، ۳۲۸، ۳۳۳، ۳۵۳، ۳۵۷)، ولی بیشتر با نام پدرشان آغاز گردیده است. البته درباره حسن بن محمد بن جمهور قضیه برعکس است و او بیش از پدرش در صدر اسناد آمده و در اندک موارد شروع با نام پدرش، آسان‌تر می‌توان احتمال افتادگی داد.

در اسناد *لهدایه*، نام حسن بن جمهور و جعفر بن مالک فزاری بیش از همه عناوین (۲۵ و ۲۳ بار) در صدر اسناد آمده و گاهی نیز با تعبیر «حدثی» همراه است. باین‌همه، در خارج از *لهدایه* بسیاری اوقات خصیبه با واسطه از آن دو نقل می‌کند. (خصیبه، ۱۴۳۲، ص ۲۵۰، ۳۰۱؛ ابن شعبه حرانی، ۲۰۱۶م، ۲۰، ۷۸) در خود *لهدایه* نیز شواهدی دلالت دارد که نباید خصیبه سماع مستقیمی از این شخصیت‌ها داشته باشد. برای نمونه، بنا بر اسناد بخش امامان (علیهم السلام) در *لهدایه*، فزاری از هیچ نامی بیش از یک بار نقل نمی‌کند و مشایخش هموار ناشناس و تکرار ناپذیرند. خواهد آمد که چرا چنین نام‌هایی معمولاً ساختگی‌اند.

تنها سند دارای الگو از فزاری سند نخست کتاب *الهدایة* در زمینه تاریخ موالد و القاب امامان (علیهم‌السلام) از عبدالله بن یونس سبعی است که در بخش ابواب غالیان نیز نقل خصیبه از فزاری از سبعی در ۹ سند آمده است. اتفاقاً تنها برای همین خبر نخست از خارج کتاب هم شاهدی بر نسبت آن به فزاری داریم: اینکه فزاری کتابی در تاریخ و موالد امامان داشته و ابن‌همام اسکافی (م ۳۳۶ق) آن را روایت کرده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۲۲) در نسخی از *الهدایة* در ادامه سند نخست، مطلبی از ابن‌همام نقل شده است. (خصیبه، ۱۳۰۸ق، برگ ۳-ب) همچنین در بخش ابواب *الهدایة* - که عموماً اسناد فزاری الگو دارد - روایاتی از ابن‌همام وجود دارد. (خصیبه، ۲۰۰۷، ص ۳۷۲) اینها نشان از آن دارد که خصیبه روایاتی را که احتمالاً از فزاری است، نه مستقیماً، بلکه با واسطه ابن‌همام دریافته است. این با طبقه خصیبه متناسب‌تر است. در روایات موالد سنددهی خصیبه به ابن‌ابی‌الثلیج یا مشایخش نیز اضطراب مشابهی دارد. (به ترتیب، قس. خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۷، ۳۹؛ ابن‌ابی‌الثلیج، ۱۴۱۰، ص ۶۷، ۹۱)

در مجموع، نمی‌توان این مشکل را تنها نتیجه افتادگی‌های نام مشایخ مستقیم در نسخ کتاب دانست؛ زیرا اولاً، برخی از اسناد خاص *الهدایة* در اسناد متقدم نصیری، از خصیبه و نیز در سرقت‌های ابوالفضل شیبانی از *الهدایة* (نک. اکبری و ذاکری، ۱۴۰۰، ص ۱۴۶-۱۴۸) یا در روایات نصیریان بر جای مانده است. (خصیبه، ۱۴۳۲، ص ۲۹۳؛ نیز نک. همان، ص ۳۰۴؛ طبری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۸) از راویان ناشناس تکرارناپذیر بخش امامان^۱ گذشته از آن، مواردی از تصریح خصیبه بر سماع از این مشایخ وجود دارد (برای نمونه، خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۵۳) و تنها با ذکر راوی در ابتدای سند مواجه نیستیم تا احتمال افتادگی، تعلیق و یا ارسال ظاهری در میان باشد. حتی خود خصیبه در چند مورد، با یک واسطه از شیخی روایت می‌کند و بلافاصله تذکر می‌دهد که همان روایت را بی‌واسطه نیز شنیده است. (برای

۱. نصیریان بیشتر از بخش ابواب *الهدایة* نقل کرده‌اند. (اکبری، ۱۴۰۲ق، بخش ۱-۲-۳)

نمونه، نک. خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۲۰۶، ۲۲۲، ۲۷۹-۲۸۰) شاید خصیبه خود به اضطراب گسترده اسنادش التفات یافته، و سعی کرده است برخی موارد را توجیه کند.

همچنین در مقایسه با دیگر آثار خصیبه نیز - برای نمونه - می‌بینیم خصیبه در *الهدایة* هرگز بی‌واسطه از عمویش احمد بن الخصیب نقل نمی‌کند، ولی در *المائدة* و آثار بعدی از شیوخ او نقل کرده است. (خصیبه، ۱۴۳۲، ص ۳۱۶؛ طبرانی، ۲۰۱۶ - ب، ص ۱۸۷) چنین اضطرابی در اسناددهی او از یحیی بن معین نیز مشاهده می‌شود. در اسناد از خصیبه گاهی جنان فارسی واسطه‌اش تا یحیی است (برای نمونه، طبرانی، ۲۰۱۶ - الف، ص ۷۳)، گاهی هیچ واسطه‌ای نیاورده و گاهی با تعبیر «عن الثقات» نقل کرده است. (ابن مقاتل، بی‌تا، ص ۱۴، ۶۴ و برای نمونه مشابه، نک. همان، ص ۳۳، ۴۶) این نیز در نوع ارتباط خصیبه با جنان تردید برمی‌انگیزد. در اسناد خصیبه، جنان واسطه نقل‌های معارفی از اسحاق بصری (ابوالمطلب، ۲۰۰۶، ص ۲۶۲) و علی بن حسکه (خصیبه، ۱۴۳۲، ص ۳۱۳؛ طبرانی، ۲۰۱۶ - الف، ص ۱۳۱) پیشوایان اسحاقیه و مخمسه نیز شده است.

۲-۳. انتقال از ابن مهران؛ نمونه‌ای برای زمینه اضطراب اسناد

نمونه‌ای از اسناد پیش‌گفته را - که در آن خصیبه سماع از شیخ و شیخ شیخ را یکجا ادعا کرده - بررسی می‌کنیم. جدول (۱) نشان می‌دهد دو روایت پیاپی خصیبه به همان شکل و ترتیب در روایات محمد بن عبدالله بن مهران (از پیشوایان خطابه، نک. اکبری، ۱۴۰۲، بخش ۱-۳-۲) نیز آمده است. گرچه *الهدایة* از دفاتر ابن مهران، به ویژه در اسناد دقیق‌تر بخش ابواب روایت کرده (برای نمونه، نک. خصیبه، ۲۰۰۷، ص ۳۳۹، ۳۴۵، ۳۵۰)، اما در دو سند زیر از ابن مهران نامی نبرده است. با وجود اینکه خصیبه دو یا سه طبقه متأخرتر از ابن مهران است، تنها با یک واسطه، روایات «محمد بن علی» شیخ ابن مهران را نقل کرده است. خصیبه یک بار «علی بن طیب صابونی» و بار دیگر «محمد بن میمون» را واسطه خود تا محمد بن علی معرفی کرده است.

جدول (۱): مقایسه دو سند کشی و خصیبه

| | |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>وَجَدْتُ بِحَطِّ جَبْرِيلَ بْنِ أَحْمَدَ، حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَهْرَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَنَاطِي، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ: كَانَ أَبُو خَالِدٍ... (كشي، ۱۴۰۹، ص ۱۲۰)</p> | <p>عَنْهُ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الطَّيِّبِ الصَّابُونِيِّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ [الْحَسَنِ بْنِ عَلِي بْنِ أَبِي حَمَزَةَ] عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ: كَانَ أَبُو خَالِدٍ... (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۲۲۱)</p> |
| <p>وَجَدْتُ بِحَطِّ جَبْرِيلَ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَهْرَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: خَدَمَ أَبُو خَالِدٍ... (كشي، ۱۴۰۹، ص ۱۲۱)</p> | <p>عَنْهُ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ الْقَصِيرِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَيْمُونِ الْخُرَّاسَانِيِّ، قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ حَمْدَانَ الْخَصِيبِيُّ: سَمِعْتُ هَذَا الْخَبَرَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَيْمُونٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ ابْنِ الصَّبَّاحِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: خَدَمَ أَبُو خَالِدٍ... (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۲۲۱)</p> |

در رجال کشی، جبریل بن احمد فاریابی ۱۶ روایت از ابن مهران نقل کرده است. که ۱۰ تای نخست آن در *الهدایة* نیز آمده است. ۹ مورد آن با واسطه‌ای ناشناس از شیخ ابن مهران و بدون یادکرد از ابن مهران نقل شده، و سه جفت از این روایات مشترک (جمعاً ۲۶) در *الهدایة* پیاپی آمده است. (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۱۳۲، ۱۶۵-۱۶۶، ۲۲۱-۲۲۲ و قس. کشی، ۱۴۰۹، ص ۷۵-۷۸، ۸۳، ۱۲۱-۱۲۳) تفاوت تک‌سند دیگر نیز به خاطر معلق بودن آن است. در *الهدایة* با جابه‌جایی سند معلق، تعلیق آن به سندی کاملاً بی‌ربط برگشته است. (قس. خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۱۶۶، ۱۶۵ با کشی، ۱۴۰۹، ص ۷۶، ۷۷) ^۱ البته در دو جا هم *الهدایة* - طبق عادتش - ارسال اسناد ابن مهران را با عناوین ناشناخته جایگزین کرده است. (قس.

۱. با تعویض ترتیب دو خبر. تکرار پیاپی سند ابن مهران در رجال کشی نیز شاهد تعلیق در منبع اصلی است.

کشی، ص ۴۶، ۱۰۳ با خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۱۵۴، ۱۵۷ با تغییر ترتیب دو خبر) تنها در یازدهمین اشتراک است که *لهدیته* نام ابن مهران را در سندش آورده و البته تنها در مورد همین، واسطه تا ابن مهران از عناوین ناشناس نیست، بلکه ابن جمهور از پدرش است. (قس). کشی، ۱۴۰۹، ص ۵۸۷؛ خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۲۸۷)^۱

در چنین مثال‌های پرتکراری از *لهدیته*، با دو احتمال مواجهیم:

اول اینکه خصیبه چنین روایاتی را نه با سماع، که با وجاده در دفاتر روایی یافته است. در اینجا نیز - مثلاً - سند دفتر ابن مهران را که از محمد بن علی شروع می‌شده، نوشته بوده و بعداً جای خالی ابتدای اسناد را با نام‌های اختصاصی خودش و به صورت بی‌ضابطه پر کرده است.

دوم اینکه او واقعاً روایات دفاتر قریب یک قرن پیش را به صورتی نادر از مشایخ قدیمی مختص خودش دریافته بوده، و یا به‌طور اتفاقی روایاتش مطابق با ترتیب ده‌ها خبر در دفاتر متقدم شده است، و یا ضمن استفاده از ترتیب دفاتر متقدم، می‌توانسته طریق عالی خود را جایگزین کند.

افزون بر شواهد پیشین، در ادامه نیز مجموعه قرآینی خواهد آمد که احتمال نخست را تأیید می‌کند. قابل ذکر آنکه علو اسناد خصیبه نیز بر تردیدها دامن می‌زند. برای نمونه، خصیبه ادعا کرده که عسکر مولای امام جواد (علیه‌السلام) (م ۲۲۰ق) و ریّان مولای امام رضا (علیه‌السلام) (م ۲۰۳ق) را دیده است. (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۴۹) اما تنها یک روایت از ابن فضال از ریّان دارد (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۶۴) که آن را به واسطه کتاب *الأوصیاء*، از عبّاد بن یعقوب از ابن فضال گرفته است (نک. *اثبات الوصیة*، ۱۴۲۶ق، ص ۲۶۷)؛ یعنی با سه

۱. خبر ابن ابی‌نصر بزنتی که *لهدیته* آن را به صورت ابن ابی‌بصیر اسدی ضبط کرده است. در روایت مشترک دوازدهم نیز اندکی در سند تفاوت وجود دارد، و در *لهدیته* صفوان بن یحیی به جای بزنتی آمده (خصیبه، همان، ص ۳۰۰؛ کشی، ۱۴۰۹، ص ۵۸۳)، پس شاید این خبر را خصیبه از دفتر ابن مهران نگرفته باشد. خصیبه در سند هر دو خبر، ابن جمهور را آورده که او واسطه پنج روایت خصیبه از ابن مهران در بخش ابواب است.

واسطه نیز طریقتش باز متصل نیست. او از عسکر نیز با دو واسطه متفاوت نقل کرده است. (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۲۱۴، ۲۹۹. نقل اول از عتاب بن یونس است که مستقیم یا با واسطه بودن نقل خصیبه از او ابهام دارد. قس. ص ۵۱، ۱۴۷ با ۳۰۲، ۳۱۶) همچنین خصیبه ادعای سماع از حمزة بن نصر غلام امام جواد (علیه السلام) را نیز دارد (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۵۳) که تک روایتش از او به عنون غلام امام هادی (علیه السلام) (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۵۸. قس. اثبات الوصیة، ۱۴۲۶، ق، ص ۲۶۰) در واقع از اثبات الوصیة است.

۳. بی ضابطگی تکمیل اسناد «الهدایة الکبری» و ناشناختگی مشایخ

نمونه‌هایی از بی ضابطگی و سایط در نقل خصیبه از مشایخ ابن مهران گذشت. تشخیص منبع اخبار /هدایة همواره به سادگی موارد پیشین نیست. در بسیاری از روایات باب ۱۴ /هدایة، با اسنادی مواجهیم که نه تنها رجال ابتدای آنها، بلکه تمام افراد نامبرده ناشناس‌اند (همانند نقل‌های غریبی از محمد بن عباس قصیری، ابوالعباس خالدی، ر.ک. خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۷۱) یا شخصیت‌های شناخته‌شده به صورتی در کنار هم آمده‌اند که در جای دیگری نمونه ندارد. بررسی خود را در اسناد کل بخش امامان /هدایة ادامه می‌دهیم.

۳-۱. مروری بر طرق پرتکرارترین رجال در «الهدایة الکبری»

پیش از بررسی مشایخ صدر اسناد خصیبه، ابتدا وضعیت طرق خصیبه تا مهم‌ترین و پرتکرارترین راویان طبقات متقدم‌تر در چهارده باب امامان را مرور می‌کنیم. طرقتی که تا راویان زیر ذکر شده هیچیک تکرار شونده نیست و سند خصیبه تا این راویان تقریباً هیچ‌الگویی ندارد. همچنین در کل ۲۵۷ سند بخش امامان (علیهم السلام) /هدایة، تنها بخشی از ۲۶ سند^۲ در حد دو طبقه پیاپی تکرار شده و عموماً بقیه سند کاملاً متفاوت است. (طبقه‌بندی زیر از دوره امام باقر (علیه السلام) شروع شده، و بر اساس اطلاعات رجالی نگارنده است، هر چند اسناد /هدایة در مواردی این طبقات را نقض کرده است):

۱. بدون حساب اندک موارد تعلیقات و ۳ سند ابن مهران که خواهد آمد.

۲. در ۹ پاره سند. ۶ پاره سند آن در مجموع ۱۹ سند است که در جدول مشاهده می‌شود، و بقیه موارد نیز در اسنادی از این جمهور به چشم می‌خورد.

جدول (۲): پرتکرارترین روایان «الهدایة الکبری» در غیر صدر اسناد

| تکرار بخشی از طریق تا برخی روایان | طبقات پرتکرارترین روایان/الهدایة ^۱ |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| تصحیفات «حسن بن علی بن ابی حمزة البطائنی عن أبیه» («الحسن بن علی»، «ابی حمزة عن ابیه»، «علی بن الحسین عن ابیه» و مانند آن از ابوبصیر ۶ بار؛ عمر [و] بن شمر از جابر ۳ بار. | ۱. روایان امام باقر و امام صادق (علیهما السلام): ابوبصیر در ۲۲ سند؛ ابوحمزه ثمالی در ۲۰ سند؛ جابرجعفی در ۱۴ سند، حمران بن اعین در ۶ سند و ابوالجارود در ۴ سند. |
| سیف بن عمیره از اسحاق بن عمار ۳ بار؛ ابن مهران از محمد بن صدقه از محمد بن سنان از مفضل ۲ بار. | ۲. روایان متأخرتر امام صادق (علیه السلام): مفضل بن عمیر در ۱۴ سند، یونس بن ظبیان در ۶ سند؛ ابوهارون مکفوف، ماهان ابلی، زید شحام و اسحاق بن عمار هر یک در ۳ سند. |
| ندارد. (البته در ادامه اسناد، ۲ روایت داود رقی به طریق حسن بن مسکان است. حسن بن محبوب نیز از واسطه متغیر از ابوحمزه ثمالی ۲ روایت دارد). | ۳. سیف بن عمیره در ۸ سند؛ ابن ابی حمزه و فرزندش حسن با لحاظ صور محرّف در ۱۳ سند؛ محمد بن سنان در ۱۶ سند؛ حسن بن مسکان در ۵ سند؛ حسن بن محبوب در ۳ سند. |
| محمد بن جمهور از ابن مهران ۳ بار (در بخش ابواب الهدایة نیز طرّقی تکرار شونده تا ابن مهران وجود دارد) و ابن مهران (با لحاظ نمونه‌های تصحیف شده) از محمد بن صدقه ۲ بار. | ۴ و ۵. محمد بن صدقه در ۴ سند، ابوهاشم جعفری در ۵ سند، محمد بن (عبدالله بن) مهران در ۶ سند، عسکر خادم امام جواد (علیه السلام) در ۳ سند، اسماعیل بن علی قمی / نهروانی در ۳ سند، ابوسمینه در ۷ سند. ^۳ |

۱. طبقه‌بندی زیر از دوره امام باقر (علیه السلام) شروع شده و بر اساس اطلاعات رجالی نگارنده است، هر چند اسناد/الهدایة بعضاً این طبقات را نقض کرده است. روایانی که الگویی ناقص در نقل از آنان وجود دارد، با زیر خط مشخص شده‌اند.
۲. در برخی روایات امامی، ابن سنان از ابن صدقه روایت می‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۹۱؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۱۴۰، ۱۶۲، ۱۶۴)
۳. عنوان عام و غالباً مبهم «محمد بن علی» نیز در ۴۹ سند برای غیر امام باقر و امام جواد (علیه السلام) به کار رفته که ۷ بار آن به قرینه ذکر کنیه «ابوسمینه» یا وصف «صیرفی» ناظر به راوی مشهور «ابوسمینه محمد بن علی همدانی» است.

بنابراین، خصیبه سندی ندارد که کل طریق ۴ تا ۶ واسطه‌ای آن تا امامین باقرین (علیها السلام) کاملاً تکرار شود. اما نمی‌توان بی‌انضباطی شدید اسناد او را چنین توجیه کرد که او در همه این طرق بی‌قاعده تا این راویان، متکی به منابعی متأخرتر بوده است؛ زیرا برای نمونه، خصیبه از رجال طبقه چهارم غالباً با یکی دو واسطه متغیر نقل کرده است. ولی برحسب تصریح خودش عسکر را دیده (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۲۵۳) و ابوسمینه را دوبار در صدر اسنادش نیز نشانده است (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۱۳۲، ۲۱۵). پس نمی‌توان گفت: اشکال صرفاً بدین خاطر است که در طبقات متأخرتر از راویان بالا، برخی منابع واسطه بی‌هیچ انضباطی اسناد را تحریف کرده‌اند؛ چنان‌که انتظار نیست صاحبان این منابع واسطه - که خصیبه از آنها بهره برده - به‌طور تصادفی هرگز دو طریق یکسان را تا راویان واحد ارائه نداده باشند.

۲-۳. تفاوت فاحش طبقات؛ شاهد ناآشنایی با رجال

شواهد دیگر نیز در تبیین این موضوع که چرا طرق راویان اصلی الهدایة تکرار نشده، راهگشاست؛ مثلاً، گرچه به اقتضای طبقه ابوسمینه، خصیبه غالباً نام ابوسمینه را در اوایل اسنادش آورده، اما در دو جا نیز با ۴ یا ۳ واسطه از او نقل کرده است:

«وَعَنْهُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ بَشْرٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَامِرٍ الطَّاطَرِيِّ عَنْ زَيْدِ بْنِ شِهَابِ الْأَزْدِيِّ عَنْ زَيْدِ بْنِ كَثِيرٍ اللَّحْمِيِّ عَنْ أَبِي سُمَيْتَةَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ مَوْلَانَا الصَّادِقِ قَالَ.» (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۱۱۲)

«وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْخِطَّاطِ، عَنْ بَشَّارِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ، عَنْ أَبِي سُمَيْتَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ، عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ الْجُعْفِيِّ، عَنْ سَيِّدِنَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ.» (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۲۵۵)

رجال ناشناس و تکرارناپذیر ابتدای این دو سند با دیگر اسناد از ابوسمینه تفاوت طبقاتی دارند، و جالب اینکه پس از نام ابوسمینه نیز تنها یکی، دو نام تا امام

صادق(علیه‌السلام) واسطه شده‌اند. این در حالی است که در اسنادی که نام ابوسمینه در اوایل اسناد آمده، او با ۴-۵ واسطه از صادقین(علیها‌السلام) نقل می‌کند. (برای نمونه، رک. خصیبی، ۱۴۱۹، ص ۱۳۲ و ۲۱۵) این یعنی: خصیبی شناختی از طبقه واقعی ابوسمینه نداشته، و به تناسب اینکه در مجموع سند با ۵-۶ واسطه از صادقین(علیها‌السلام) نقل روایت کند، پیش از نام او نام‌هایی را می‌افزوده است. البته در همین سند نیز نام زید شحام^۱ راوی طبقه شاگردان امام صادق(علیها‌السلام) را پیش از ابوسمینه نشانده است. نمونه‌هایی نشان می‌دهد که خصیبی چه بسا حتی از طبقه غالیانی همچون ابوالمطلب که بعدها مدعی روایت کتابشان شد نیز خبر نداشته است.^۲

۳-۳. نایابی بیشتر مشایخ صدر اسناد

حال به بررسی اجمالی کل مشایخ موجود در ابتدای اسناد کتاب پرداخته، شواهدی از بی‌ضابطگی رجال اوایل اسناد/لهدایه ارائه می‌دهیم. صفری در تحقیق خود، فهرست ۱۰۷ تن از مشایخ خصیبی در/لهدایه را نام برده (صفری، ۱۳۸۴، ص ۳۰-۳۳)، ولی بنابر بررسی نگارنده، خصیبی تنها در بخش مربوط به امامان از/لهدایه، بنابر نسخه چاپ البلاغ، ۱۱۴

۱. حضور زید در سند بالا بی‌وجه است، و تناسبی با ابن‌ظبیان و مفضل نیز ندارد. نمونه سند واقعی در نقل ابوسمینه از زید: «عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ الْفَرَّاءِ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۶۳)

۲. درباره ابوالمطلب و سند خصیبی نک: اکبری، ۱۴۰۲، بخش ۲-۲-۴. با مقایسه این دو سند/لهدایه، اختلال عجیب طبقاتی به‌خاطر تکمیل ضعیف اسناد هویدا است. نیز نک. خصیبی، ۲۰۰۷، ص ۳۳۹:

«وَعَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورِ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ الْعَنْبَرِيِّ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِي الْمُطَلِّبِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ الصَّادِقِ» (خصیبی، ۱۴۱۹، ص ۴۶)

«وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَصِيبِ عَنْ أَبِي الْمُطَلِّبِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ الزَّاهِرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مَدْيِحِ بْنِ هَارُونَ بْنِ سَعْدٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الطُّفَيْلِ» (همان، ص ۶۷)

شیخ را در ابتدای اسناد آورده است. البته اگر ۶۰ شیخ مذکور در سند روایت ابتدای باب ۱۴ لحاظ شود، با توجه به تکرار نشدن نام ۳۲ تن آنها در جای دیگر، مشایخش در بخش اول *الهدایة* (یعنی چهارده باب مربوط به معصومان) به ۱۴۶ تن می‌رسد. (اسناد تک طبقه‌ای - که آشکارا مرسل‌اند - لحاظ نشد). نکته مهم در این اسناد آن است که غالباً هیچ قاعده و انضباطی ندارد؛ یعنی معمولاً نه مشایخ ادعایی خصبی استادان ثابتی دارند و نه واسطه خصبی تا مشایخ مشایخ ثابت است.

از ۱۴۶ شیخ ابتدای اسناد بخش امامان (علیهم‌السلام) تنها نام ۲۹ تن در جای دیگری از *الهدایة* تکرار شده است. از این ۲۹ تن فقط جعفر بن محمد بن مالک فزاری (متهم به غلو) و حسن بن جمهور عمی و ابوالحسن علی بن عاصم کوفی شناسایی شدند. محمد بن موسی قمی نیز با محمد بن موسی شعیری غالی شهیر مخمسی تناسب دارد، و محمد بن یحیی فارسی با شخصیتی که حسین بن محمد بن عامر و ابو عمر کشی از او اخبار نادری دارند (نک. کلینی، ۱۴۰۷، ص ۴۵۲؛ کشی، ۱۴۰۹، ص ۴۱۰، ۴۸۶)، قابل تطبیق است.

خصبی از تعدادی از رجال اختصاصی خود ۳ تا ۱۰ بار در بخش امامان (علیهم‌السلام) نقل کرده و البته نامشان تنها در اسناد خصبی در *الهدایة* و دیگر کتب نصیری آمده است. ایشان عبارتند از: پدرش حمدان بن خصب، جعفر بن احمد قصیر بصری، علی بن حسین مقری، محمد بن اسماعیل حسنی، احمد بن محمد حجال، احمد بن صالح، ابوالعباس عتاب بن یونس دیلمی، ابوالحسن علی بن بشر، محمد بن یحیی خرقی، علی بن طیب صابونی، حسن بن مسعود، ابو(بکر) الحواری، محمد بن ابراهیم و احمد بن سندولا. او از چند عنوان نیز دوبار در *الهدایة* نقل کرده است.

همچنین از ۱۱۶ عنوان بدون تکرار در ابتدای اسناد معنعن بخش امامان (علیهم‌السلام) از *الهدایة*، در دیگر منابع تنها رجالی را همنام با ابوبکر [محمد بن] احمد بن عبد الله [بن ابی‌الثلج بغدادی]، محمد بن [عبدالله بن] مهران، محمد بن جریر طبری، ابوالقاسم نصر بن صائغ [صباح] بلخی، علی بن بلال، ابن فضال و سعد بن [عبدالله] ابی‌خلف می‌شناسیم که البته گذشت که روایات خصبی از ابن مهران، یا با واسطه یا وجاده‌ای است. دو سند از ابن فضال

و سعد (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۶۸، ۳۸۲) نیز در همان بخش، سرقت‌های خصیبه از کتاب *الاصیاء* هستند. افزون بر این، هارون بن مسلم البصری، احمد بن اسحاق، سهل بن زیاد الآدمی، عبدالله بن جعفر الحمیری و احمد بن ابی‌عبدالله البرقی، عسکر و ریان - که از رجال شناخته‌شده امامیه‌اند - نامشان در سند ۶۰ نفره ساختگی خصیبه آمده است.

پس با کاستن این ۱۴ تن، ۱۰۲ عنوان در صدر اسناد داریم که در هیچ جای دیگری از *الهدایه* و دیگر کتب شناسایی نشدند؛ یعنی ۷۰ درصد از کل ۱۴۶ عنوان بخش امامان (علیهم‌السلام) از *الهدایه*. همچنین معلوم شد از ۳۰ درصد باقی نیز بسیاری‌شان در واقع مشایخ مستقیم خصیبه نیستند. در آخر با مطالعه همه این طرق خصیبه تا مشایخ مشایخش، می‌بینیم او هیچ واسطه و الگوی ثابتی تا ایشان ندارد؛ یعنی در نقل با واسطه از یک راوی (غیر معصوم) همواره واسطه تغییر می‌کند. اگر تعلیقات *الهدایه* را در نظر بگیریم، تنها در چند مورد از نقل‌های ابن‌جمهور است که نامش در چندجا برای نقل از برخی از مشایخ مشایخ خصیبه تکرار شده است. همچنین نام سه تن از واسطه‌های نقل *الهدایه* از عنوان عام و پرتکرار محمد بن علی در طبقه مشایخ مشایخ نیز تکرار شده است، ولی قرآینی بر خلاف احتمال آشنایی خصیبه با این عنوان گذشت.^۱

تکرار ناپذیری و ناشناختگی مشایخ ابتدای اسناد بخش امامان (علیهم‌السلام) از *الهدایه* کاملاً برخلاف رویکرد منابع روایی قدمای فریقین^۲ و حتی آثار مسند نصیری مانند *حقائق أسرار الدین* است، و تنها کتاب مجهول المؤلف *طب الأئمه* منسوب به فرزندان بسطام (با

۱. همچنین، *الهدایه* از محمد بن جعفر الکوفی از ابو‌خالد بصری نقل کرده است (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۶۹). ممکن است کوفی همان محمد بن جعفر رزاز تلقی شود، ولی این روایت در اصل روایت سعد اشعری است که از ابی‌رجاء بصری شنیده است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۹۲) و احتمال اینکه عنوان محمد بن جعفر به صورت اتفاقی قابل تطبیق بر رزاز شده باشد، جدی است، به ویژه آنکه در نسخه خطی این نام به صورت جعفر بن محمد کوفی و ظاهراً ناظر به فزاری است. (خصیبه، بی‌تا، برگ ۱۴۵)

۲. مثلاً، مشیخه‌های دو کتاب *من لایحضره الفقیه* و *تهذیب الأحکام*، و یا پژوهش‌های در زمینه منبع‌شناسی کافی نمونه‌هایی از این انضباط نسبی در اسناد را پیش رو می‌نهند.

ناشناختگی و تکرارناپذیری ۸۷ درصد اوایل اسناد) این ویژگی اسناد کتاب هم‌عصرش، *الهدایة* را دارد.^۱ هر دو اثر تلاشی حداکثری برای از میان بردن تعابیر ارسال منابعشان را دارند، مگر بخش کوچکی که در هر دو مرسل رها شده است. رجال اندک اسناد *الگو دار* دو کتاب اشتراک عجیبی با هم دارند، در حالی که بسیاری از آنها در منابع کمیاب و یا نایاب است، و حتی دو کتاب در برخی اغلاط در نام‌ها مشترک‌اند. عجیب‌تر اشتراک جملات توصیفی نادر در چهار جفت از اسناد دو کتاب است. (اکبری، ۱۴۰۲، بخش ۱-۵-۴) پس شواهد سندسازی‌های *طب الأئمة* در بیشتر اسناد - به‌ویژه در طرق تا منابع وجاده‌ای - (نک. اکبری، ۱۴۰۱، سرتاسر) هم می‌تواند مؤیدی بر ادعای ما بر سندسازی *الهدایة* تلقی شود.

از تشویش شدید اسناددهی‌ها و اشکالات طبقاتی معلوم شد که بسیاری اوقات، یادکرد مجموعه‌ای از مشایخ پرکاربردتر در *الهدایة* نیز نادرست است، و احتمالاً بیشتر عناوین تکرارناپذیر ناشناس در صدر اسناد خصیبه ساختگی است. حتی برخی از نام‌های مختص خصیبه - حتی با وجود تکرارشان - ممکن است از اساس ساختگی باشند؛ مانند محمد بن اسماعیل حسنی یا فرزند او جعفر که عموماً در اسنادی ظاهراً ساختگی به کار می‌رود.

البته خصیبه از آثار برخی از مشایخ صدر اسنادش، گاهی به‌صورت وجاده‌ای یا با واسطه بهره برده است؛ مانند جعفر بن مالک فزاری و حسن بن جمهور. شاید خصیبه از مشایخی همچون پدرش و محمد بن یحیی فارسی واقعاً روایاتی شنیده باشد. هر چند خصیبه از ابن شعبه یاد نکرده، اما قراینی حاکی از بهره‌روی *المائدة* خصیبه از اخبار ابن شعبه است، و ملاقات ابن شعبه با خصیبه و سماعش از او نیز شواهدی در چند کتاب ابن شعبه دارد. (اکبری، ۱۴۰۲، بخش ۲-۳-۴)

۱. حتی سندسازی‌های کتبی مانند *الفضائل* منسوب به شاذان بن جبرئیل و نیز روایات منسوب به طبری مورخ در *دلائل الإمامة* تفاوت‌های مهمی دارد.

نتیجه‌گیری

خصیبه در بسیاری از روایات خود به منابع غالبان عراق، به ویژه کتاب *الاصیاء شلمغانی* و دفاتر ابن مهران - و البته امامیانی مانند سعد اشعری - متکی است، و بعدها از اسحاق بصری بسیار بهره برده است. ولی قرینه‌ای بر سماع او برای روایات این آثار وجود ندارد، بلکه شواهد بسیاری حکایت از آن دارد که او به وجاده از منابع پیشین بهره برده، و با طرق ساختگی تا مشایخ صاحبان آن دفاتر خود را مستقل از ایشان نمایانده، و به ندرت از رجال پیش‌گفته یاد کرده؛ چنان‌که خصیبه در بحث موایید در واقع از روایات ابن ابی‌الثلیج و ابن همام (و او از فزاری) استفاده نموده است.

خصیبه برای روایات مرسل منابعش نیز اسانید غریبی ساخته است. بر این اساس، شناسایی منابع او پیچیدگی‌هایی دارد. اسانید او بسیار مشوش و مضطرب است و بر خلاف دیگر منابع روایی، در اسناددهی او به رجال طبقات متقدم، به ندرت می‌توان الگویی یافت. درباره ارتباط مستقیم خصیبه با هیچیک از مشایخ ادعایی او نمی‌توان به اطمینان رسید. همچنین سندسازی‌های او موجب درهم‌ریختگی طبقات برخی از راویان شده است. هرچند در بخش ابواب از *المُدایه* سندسازی نسبت به اوایل *المُدایه* قاعده‌مندتر است. خصیبه مستقیماً روایت بابیت ابن نصیر را به منازعان او مانند شلمغانی و سران اسحاقیه نسبت داده است. برخی از این اخبار در منابع پیشین غالبان بدون فراز بابیت ابن نصیر وجود دارد.

بر اساس آنچه گذشت، می‌توان شواهدی از هر یک از این آسیب‌ها در اسانید خصیبه ارائه داد: قلب سند، ساخت اسناد و نام‌هایی جدید، تدلیس و سرقت حدیث. همچنین او گاه به اشتباه، اسانیدی را تعویض کرده و یا محل تعلیق‌ها را به خاطر کمی مبالات به هم ریخته است، یا به علت بدخوانی از نسخ، رجال جدیدی ساخته است. تحریفات متون یا ترکیب احادیث نیز مؤید سندسازی خصیبه است. پس تعبیر «جامع انواع عیوب روایی» درباره او مناسب به نظر می‌رسد که حتی فراتر از اتهامات خصیبه در کلام ابن غضائری است. این پژوهش را می‌توان درباره متون کتاب *المُدایه* نیز به صورت گسترده‌تر پی گرفت.

منابع

۱. ابن ابی‌الثلج بغدادی، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)، تاریخ أهل البيت نقلا عن الأئمة (عليهم السلام)، تصحیح محمدرضا جلالی حسینی، قم، آل‌البيت (عليهم السلام).
۲. ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۰۴ق)، الإمامة و التبصرة من الحيرة، قم، مدرسة الإمام المهدي (عج).
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۲۰۰۶م)، حقائق أسرار الدين، سلسلة تراث العلويين، تحقيق ابوموسی حریری، لبنان، دار لأجل المعرفة.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۲۰۱۶م)، حقائق أسرار الدين، تصحیح حسن یونس حسن، بی‌جا، المجموعة الكاملة - نشر الکترونیکی: archive.org
۵. ابن عبدالوهاب، حسین (۱۴۲۲ق)، عیون المعجزات، تحقیق فلاح الشریفی، مؤسسة بنت الرسول.
۶. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۰ش)، الرجال، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، قم، دار الحديث.
۷. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، کامل الزیارات، تصحیح عبدالحسین امینی، نجف اشرف، دارالمرتضویة.
۸. ابن مقاتل، ابوالفتح محمد بن الحسن بغدادی (بی‌تا)، المجالس النمریة، سلسلة تراث العلويين، تحقيق ابوموسی حریری، لبنان، دار لأجل المعرفة.
۹. ابوالمطلب، جعفر بن محمد (۲۰۰۶م)، آداب عبدالمطلب (آداب الدين)، سلسلة التراث العلوی، تحقیق ابوموسی و شیخ موسی، لبنان، دار لأجل المعرفة.
۱۰. اکبری، عمیدرضا (۱۴۰۱ق)، «سندسازی‌های طب الأئمة منسوب به فرزندان بسطام»، مطالعات فهم حدیث، ش ۱۸، ص ۱۵۸-۲۱۳.
۱۱. اکبری، عمیدرضا (۱۴۰۲ق)، نصیریة، تاریخ، منابع و عقاید، قم، دانشگاه ادیان.
۱۲. اکبری، عمیدرضا و ذاکری، محمدتقی (۱۴۰۰)، «اتهام ابوالفضل شیبانی به تحریف و جعل اسناد، عیارسنجی رویکرد رجالیان متقدم و متأخر»، پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی، ش ۱۴.
۱۳. انصاری، حسن (۱۳۹۰)، «از کتاب الأوصیاء شلمغانی تا إثبات الوصیة مسعودی»، در: بررسی‌های تاریخی، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی؛ نیز پایگاه کاتبان: ansari.kateban.com/print/1196
۱۴. برقی، احمد بن محمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱)، المحاسن، تصحیح جلال‌الدین محدث، چ دوم، قم، دارالکتب الإسلامیة.
۱۵. جدیع، عبدالله بن یوسف (۱۴۲۴ق)، تحریر علوم الحدیث، بیروت، مؤسسة الریان.

١٦. جسری، علی بن عیسی (٢٠١٤)، التوحید فی اثبات التفرید، رواء جمال علی، سلسلة مصادر العقيدة النصيرية، بی‌جا، بی‌نا.
١٧. حداد، شوقی (١٤٢٩ق)، الحسين بن حمدان الخصیبي بين الفرق الصوفیه و الحركات الباطنية، بیروت، مؤسسة السراج.
١٨. خزاز رازی، علی بن محمد (١٤٠١ق)، كفاية الأثر فی النصّ علی الأئمة الآثني عشر، تصحيح: عبداللطيف حسینی كوه‌کمری، قم، بیدار.
١٩. خصیبي، حسین بن حمدان (١١٠١ق)، الهدایة، نسخه خطی آستان قدس، ش ٤٩٢، ٤٩٢، کاتب: محمد محسن کرمانی.
٢٠. خصیبي، حسین بن حمدان (١٢٨٠ق)، الهدایة، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ٨٦١٧١، کاتب: احمد بن الحسن القفطانی.
٢١. خصیبي، حسین بن حمدان (١٣٠٨ق)، الهدایة، نسخه خطی ناقص، آستان قدس، ش ٣٣٠٣٨، کاتب: محمود.
٢٢. خصیبي، حسین بن حمدان (١٣١٥ق)، الهدایة، نسخه خطی، کتابخانه مرعشی، ش ٢٩٧٣، پیوسته ٤٨١٠، خط میرزا یوسف بن علی.
٢٣. خصیبي، حسین بن حمدان (١٣١٨ق)، الهدایة، نسخه خطی، کاتب: سید احمد بن محمد باقر الموسوی الحسینی.
٢٤. خصیبي، حسین بن حمدان (١٣١٩ق)، الهدایة (اصل حسین بن حمدان)، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ١٤٧٩٥ - ٩٥٠٦، کاتب: سید احمد بن محمد باقر الموسوی الحسینی.
٢٥. خصیبي، حسین بن حمدان (١٤١٩ق)، الهدایة الكبرى، بیروت، البلاغ.
٢٦. خصیبي، حسین بن حمدان (١٤٢٧ق)، الهدایة الكبرى او تاریخ النبی و الائمة و معجزاتهم، تحقیق خضر حمصی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
٢٧. خصیبي، حسین بن حمدان (١٤٣٢ق)، المائدة، تحقیق هاشم عثمان، بیروت، مؤسسة النور للمطبوعات.
٢٨. خصیبي، حسین بن حمدان (٢٠٠٦)، الرسالة الرستباشية و فقه الرسالة، سلسلة تراث العلویین ٢، تحقیق ابوموسی حریری، لبنان، دار لأجل المعرفة.
٢٩. خصیبي، حسین بن حمدان (٢٠٠٧)، الهدایة الكبرى، سلسلة تراث العلویین، ابوموسی حریری، لبنان، دار لأجل المعرفة.

۳۰. خصیبه، حسین بن حمدان (۲۰۱۹)، الهدایة الكبرى، تحقیق شوقی امین الحداد، قم، دار زین العابدین.
۳۱. خصیبه، حسین بن حمدان (بی‌تا)، الهدایة مع الأبواب، نسخه خطی، کتابخانه آیه‌الله بروجردی، قم، ش ۳۹۸.
۳۲. ذاکری، محمدتقی (۱۳۹۸ش)، شلمغانی، از استقامت تا انحراف، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ.
۳۳. ذاکری، محمدتقی و غفوری‌نژاد، محمد (۱۳۹۴ش)، «مأخذشناسی کتاب الاوصیاء شلمغانی»، انتظار موعود، ش ۵۰.
۳۴. رحمتی، محمدکاظم (۱۳۸۵)، «حسین بن حمدان خصیبه و اهمیت وی در تکوین نصیریّه»، هفت آسمان، ش ۳۰.
۳۵. رفعت، محسن و شریفی، وحید (۱۳۹۷ش)، «بازخوانی نقادانه و آکاوی روایات عاشورایی کتاب الهدایة الكبرى خصیبه»، پژوهش‌نامه امامیه، ش ۸.
۳۶. شبیری، سیدمحمدجواد (۱۴۴۴ق)، «حول مؤلف اثبات الوصیة»، در: إثبات الوصیة، تحقیق عباس کثیری، قم، مؤسسه کتابشناسی شیعه.
۳۷. شوشتری، محمدتقی (۱۴۰۱ق)، الأخبار الدخیلة، تعلیق: علی‌اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق.
۳۸. صبیحی، ابراهیم بن سعید (۱۴۳۱ق)، النکت الجیاد المنتخبة من کلام شیخ النقاد، الریاض، دارطیبة.
۳۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، علی‌اکبر غفاری، چ دوم، تهران، اسلامیه.
۴۰. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات، تحقیق محسن کوجه‌باغی، چ دوم، قم، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
۴۱. صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۸۴ش)، «حسین بن حمدان خصیبه و الهدایة»، طلوع، ش ۱۶.
۴۲. طبرانی، میمون بن قاسم (۱۹۴۳م)، مجموع الأعیاد، تحقیق اشترتومان، هامبورگ: Der Islam، ش ۲۷.
۴۳. طبرانی، میمون بن قاسم (۲۰۱۶م - الف)، المعارف و تحفة لكل عارف، بی‌جا، المجموعة الكاملة - نشر الکترونیک: archive.org
۴۴. طبرانی، میمون بن قاسم (۲۰۱۶م - ب)، النجیة (الرد علی المرتد)، بی‌جا، المجموعة الكاملة - نشر الکترونیک: archive.org
۴۵. طبرانی، میمون بن قاسم (۲۰۱۶م)، البحث والدلالة عن مشکل الرسالة، بی‌جا، المجموعة الكاملة - نشر الکترونیک: archive.org

۴۶. طبری صغیر، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق)، **دلائل الامامة**، منسوب به طبری، قم، نشر مؤسسه بعثت.
۴۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، **الغیبة**، عبادالله تهرانی، قم، دار المعارف الإسلامية.
۴۸. عادلزاده، علی (۱۴۰۰ش)، «شواهد جعل و تحریف در روایات حسین بن حمدان الخصبی»، **پایگاه آثار**، در: <https://alasar.blog.ir/08/12/1400/khasibi1>
۴۹. عادلزاده، علی (۱۴۰۱ش)، «آموزه‌های نصیری در رساله رجعت منسوب به مفضل بن عمر»، **مشرق موعود**، ش ۶۲، ص ۲۳-۵۴.
۵۰. عادلزاده، علی و اکبری، عمیدرضا (۱۴۰۱ش)، «رمزواره‌های نصیری در الهدایة الكبرى»، **مطالعات قرآن و حدیث**، ش ۷۱.
۵۱. عثمان، هاشم (۱۴۳۲ق)، **الحسین بن حمدان الخصبی: حياته وآثاره ولبیه كتاب المائدة**، بیروت، مؤسسه النور المطبوعات.
۵۲. عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة علی بن عیسی (۲۰۱۶)، **الرسالة المصرية**، منهج العلم والبيان، بی‌جا، المجموعة الكاملة.
۵۳. علوی، عبدالهادی محمدعلی (۱۴۴۱ق)، «اثبات الوصية للمسعودی ام للشلمغانی؟»، **الخزانة**، ش ۷، کربلاء.
۵۴. فرزند وحی، جمال و دارابی، فرشته (۱۳۹۱ش)، «نقش امام حسن عسکری (علیه‌السلام) و اصحاب ایشان در حدیث امامیه»، **سفینه**، ش ۳۷.
۵۵. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، **اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)**، تحقیق حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد.
۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۵۷. **مجمع الأخبار**، (۲۰۰۸)، تحقیق ابوموسی حریری، سلسله تراث العلویین، لبنان، دار لأجل المعرفة.
۵۸. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶ق)، **اثبات الوصية**، چ سوم، قم، انصاریان.
۵۹. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، **الرجال**، به‌کوشش موسی شبیری زنجانی، چ ششم، قم، جامعه مدرسین.